

ابعاد رشد در مدینه فاضله مهدوی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

نرجس عبدیانی*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۱۴

چکیده

در آموزه‌های اسلام و آرای مسلمانان، مباحث متعددی در ارتباط با نظام اسلامی مطلوب با همان مدینه فاضله وجود دارد که در این راستا می‌توان ابعاد پیشرفت نظام اسلامی ایران با چشم‌انداز الگوی مدینه فاضله مهدوی را بررسی کرد. آیت الله جوادی آملی، پیشرفت نظام اسلامی را مبتنی بر نقش محوری رهبر آن می‌داند که در عصر غیبت، ولایت فقیه و در عصر ظهور، امامت انسان کامل یعنی حضرت ولی عصر علیه السلام به آن مشروعیت می‌بخشد. همچنین نقش مدیران و شاخصه‌های مدیریتی آن‌ها در رسیدن به رشد و پیشرفت کشور با توجه به الگوی مدینه فاضله مهم است. از نظر آیت الله جوادی آملی، اسلام در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و حقوقی، دارای آموزه‌های روشن‌گرا و سازنده‌ای برای تکامل و پیشرفت نظام اسلامی به واسطه الگوی مدینه فاضله است. کلید واژه‌ها: مدینه فاضله، امامت، رشد فرهنگی، رشد حقوقی، رشد صنعتی، آیت الله جوادی آملی.

مقدمه

آیت الله جوادی آملی، مفسر قرآن و از نظریه پردازان مبحث حکومت دینی و لوازم آن از منظر اسلام است. وی، پیشرفت و لوازم آن را از شؤون جامعه انسانی

* پژوهشگر مباحث مهدویت.

می‌داند، شؤونی که در دین، بدون حکم نیستند. در این پژوهش، سعی شده است با بررسی دیدگاه این بزرگوار دربارهٔ رشد و پیشرفت و ابعاد آن که عمدتاً با استناد به منابع اسلامی است، این سؤال بررسی شود که: «آیا رشد و پیشرفت درالگوی مدینه فاضله اسلامی، مفهوم و جایگاهی دارد یا نه؟» اگر جواب مثبت است، چگونه و در چه محورهایی قابل طرح است؟ در پاسخ به این سؤال، فرض کردیم با توجه به دیدگاه آیت الله جوادی آملی، در مدینه فاضله اسلامی، مفهوم رشد و پیشرفت، جایگاه معینی دارد و در شاخصه‌های فرهنگی، حقوقی و صنعتی مدینه فاضله، می‌توان ویژگی‌ها و ابعاد آن را بررسی کرد.

از نظر آیت الله جوادی آملی پیشرفت یا توسعه «فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی می‌باشد و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۲۱۳)؛ پس رشد در آموزه‌های اسلامی، جریانی پویا و مداوم و همه‌جانبه با هدف به کمال رسیدن انسان است.

برخی با انحراف از مسیر صحیح رشد، هم و غمشان در پیشرفت و توسعه، رشد مالی به منظور رفاه طلبی، رشد مصرفی، رشد و توسعه شخصی به معنای زراندوزی بیشتر و بخل و... است؛ لذا رشد سرمایه داری اگر به منظور جمع مال و رفاه و راحت طلبی و فخرفروشی است، در این رده جای می‌گیرد: «کسانی که فقط به فکر توسعه شخصی‌اند، مسرفین، مترفین، مرفهین افرادی هستند که چون چهارپایان می‌خورند» (همان: ص ۲۱۹). این گونه رفتارها به نام رشد و پیشرفت، مطرود است. زمانی هم انسان برای رفع نیاز خود و جامعه تلاش می‌کند؛ ولی چون به منظور افزایش ثروت، حب مال و تکاثر نیست، این رشد، معنای کوثر می‌گیرد و مقبول است؛ برای نمونه: «توسعه اقتصادی به معنای افزایش سرمایه، بر اساس خودمحوری و تکاثر، مذموم و راه شیطان است؛ اما توسعه اقتصادی و داشتن کارخانجات و مزرعه و امکانات مادی به منظور رفع نیاز نیازمندان، محبوب

و مطلوب دین است» (همان: ص ۲۲۳). اهداف حقیقی و نحوه استفاده از این مواهب است که تمایز بین این دو مطلب (کوثر و تکاثر) را سبب می‌شود.

امامت و رهبری در مدینه فاضله

از نظر آیت الله جوادی آملی، انگیزه نهایی بعثت پیامبران، پیروزی دین خدا بر همهٔ مکتب‌های باطل و منسوخ است: ﴿لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون﴾ (توبه: ۳۳ و صف: ۹)، و مهم‌ترین عامل تحقق چنین حکومتی نیز رهبری انسان‌های کامل معصوم - به ویژه وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام - است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۹۴).

آیت... جوادی آملی در توصیف این انسان کامل که خلیفه خداوند در زمین است (اشاره به سوره بقره: ۳۰)، می‌فرماید:

وجودی عنصری دارد که در عالم طبیعت است و جامعه در خدمت اویند و وجودی مثالی دارد که ملکوتیان در مشهد و محضر اویند و وجودی جبرونی دارد که عقول عالیه در خدمت اویند و یک وجود خلافت مطلق دارد که در مشهد و محضر مستخلف عنه خود، از همه مستور و غایب است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۰).

این انسان کامل که رهبری مدینه فاضله مهدوی را دارد یعنی حضرت ولی عصر علیه السلام دارای دو ویژگی محوری است: ۱. بعد علمی که رأی او بر قرآن عرضه می‌شود. ۲. بعد عملی که هوای نفس و... را تابع هدایت قرار می‌دهد. (همان: ص ۱۱۱ و ۱۱۲). رهبر با دو رسالت عمده و محوری، مدینه فاضله را تشکیل داده و پیشرفت و تکامل آن را مدیریت می‌کند: یکی رسالت حراست از وحی و اقامه معارف آن و دیگری رسالت حراست از سلامت عقل و بصیرت بشریت (رک: همان: ص ۲۵۱ - ۲۵۳). وی از این دو مأموریت با عنوان نخستین سر فصل‌های حکومت حق مهدوی و مبنای هندسه دولت کریمه یاد می‌کند (همان: ص ۲۵۴). از سوی دیگر، الگوی نظام اسلامی ایران در عصر غیبت، مدینه فاضله مهدوی



است و در این راستا، سلسله رهبری اسلام، این گونه تبیین می‌شود:

واجبات و محرمات مقطعی در زمان رسول الله، به دست خود حضرتش بوده است و در زمان معصومین علیهم‌السلام به دست توانای آن‌ها و در زمان غیبت، به دست کسی که نایب ائمه معصومین هستند، خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۶۳: ص ۹۴).

این انقلاب اسلامی ایران، از جهات متعددی آینه انقلاب عظیم مهدوی می‌باشد:

۱. این انقلاب‌ها هر دو نقطه عطف تاریخ می‌باشند که به تغییر کل جهان و نظام طاغوتی آن، منجر می‌شوند.

۲. در هر دو این انقلاب‌ها قلب‌های انسان‌ها دگرگون می‌شود. این تحول قلوب، بر اساس کریمه «یهدون بامرنا (انبیاء: ۷۳)» در جهت هدایت انسان‌ها است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹ و ۱۶۰).

در نظام اسلامی عصر غیبت نیز رهبری، نقش اساسی را ایفا می‌کند و اعتبار و مشروعیت همه ساختار و ارکان نظام به او است. آیت الله جوادی آملی در مفهوم و ضرورت این مطلب، معتقد است:

آن که منوب عنه را شناخت، به شناخت نایب راه نمی‌یابد. امام معصوم، نایب رسول اکرم است و ولایت فقیه، عهده دار نیابت عام امام معصوم؛ پس آن که وحی و نبوت را شناخت، امام شناس نمی‌شود و آن که امام شناس نشد، نیابت عام و ولایت فقیه را نخواهد شناخت و شخص فقیه نیز تابع فقاہت خواهد بود (همان: ص ۱۵۲).

از نظر وی:

فقیه جامع شرایط در زمینه‌های مختلف اجتماعی - چه در امور فرهنگی نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح، چه در امور اقتصادی مانند منابع طبیعی، جنگل‌ها، معادن و دریاها و... چه در امور سیاسی داخلی و خارجی مانند روابط بین الملل و در زمینه‌های نظامی همانند دفاع در برابر مهاجمان و تجهیز نیروهای رزمی و در سایر امور لازم - به تطبیق قوانین اسلام و اجرای آن مبادرت می‌ورزد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۲۴۴-۲۴۲).

در همین راستا، ویژگی‌های این دو نظام اسلامی در عصر ظهور و غیبت نیز با تفاوت درجات و توجه به اختصاصات آن‌ها در مسیر هم می‌باشد و نظام مبتنی بر ولایت عام امام عصر علیه السلام چشم انداز نظام و مدینه فاضله مهدوی را در پیشرفت و تکامل و زمینه سازی ظهور، در نظر دارد:

برخی از افراد در انقلاب و تحول عمیق عصر مهدویت که با محدودی از شاگردان و سربازان ویژه آن حضرت آغاز می‌گردد و سرانجام به تغییر نظام حاکم بر پهنه زمین خواهد انجامید، تشکیک روا می‌دارند و چنین تحول عظیمی را که به یاری گروهی به ظاهر اندک انجام می‌شود، بعید می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۵۸).

۲. ویژگی‌های مدیران مدینه فاضله

ابعاد رشد در نظام اسلامی را می‌توان از زاویه تأثیر شاخصه‌های شخصیتی مدیران و نیز نوع مدیریت آن‌ها در نظام اسلامی بررسی کرد. این بخش، به ابعاد انسانی و فردی مدیر یا کارگزار می‌پردازد. چه شاخصه‌هایی برای یک فرد یا کارگزار سیاسی لازم است تا او را در مدیریت و رهبری و سازماندهی رشد نظام هدایت کند؟ این شاخصه، در سطوح مختلف کارگزاران و مدیران اجرایی و تصمیم‌گیری به طور کامل وجود خواهد داشت و هر چه مسؤولیت، بالاتر رود، عمق و تأکید و ضرورت آن شاخصه‌ها بیشتر نمود می‌یابد؛ اما وجود آن همه کارگزاران نظام اسلامی لازم است:

تخصص و تعهد: این ویژگی، در رشد کمی و کیفی امور مؤثر است و فردی که تخصص و تعهد دارد، از انضباط و وجدان کاری برخوردار است. از طرفی جامعه‌ای که کار را به کاردان نمی‌سپارد، همواره سیر نزولی خود را طی می‌کند، نه سیر پیشرفت و توسعه. و از سوی دیگر، تعهد در کار موجب می‌شود که شخص، متوجه نیاز جامعه باشد و از شغل‌های کاذبی که در عین داشتن درآمدهای کلان شخصی، به پیکر اقتصادی جامعه خسارت وارد می‌کند، بپرهیزد.



۶۷

ابعاد رشد... مهدوی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی / نرگس عبدیانی

چه در بخش خصوصی و چه عمومی، مدیریت و سیاست‌های نظام، باید با تعهد و تخصص سیاست‌گذار گره بخورد، تا پیشرفت به جای خسارت باشد.

اتقان در مسؤولیت: انجام هر مسؤولیتی بدون در نظر گرفتن ضوابط، جوانب و پیامدهای آن، نافرجام و بی‌حاصل است. به طور عموم در اسلام از کم‌کاری، خیانت و تزویر در کار، نیرنگ و پنهان کردن حقیقت به شدت نکوهش شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۳-۱۵۷).

پایداری در مسؤولیت: شخص با استقامت، سختی‌های موقت و محرومیت‌های مقطعی را نادیده می‌گیرد و برای رسیدن به هدف، همه‌جانبه می‌کوشد. از قرآن کریم (اعراف: ۸۵) استفاده می‌شود که استقامت، موجب تقویت و آرامش دل و وسعت رزق است.

اخلاص در کار: اخلاص، ضمن تقویت جنبه عبادی مسؤولیت، به آن، رنگ تقدس می‌بخشد و به منزله زینت و زیور عمل است.

انتخاب مسؤولیتی مناسب: اسلام، برخی شغل‌ها را واجب، بعضی را حرام، بخشی را مستحب و برخی را مکروه می‌داند. خداوند متعال، کارهای شکوهمند و عالی را دوست دارد و کارهای پست را خوش ندارد.

اعمال تخصص در طلیعه کار: ممکن است فرد متخصص، مسؤولیتی بپذیرد؛ ولی در برخی بخش‌ها، از توجه به تخصص خودش غفلت کند. لازم است هر کاری از ورودی، نقشه، معیار، الگو و اندازه بگذرد، تا به وسیله تخصص، از افزایش بی‌جا یا کاهش بی‌مورد جلوگیری شود. امام علی علیه السلام فرمود: «نخست اندازه بگیر، آن گاه برش بده. ابتدا بیندیش، سپس بگو. اول روشن و آگاه شو، آن گاه کار کن» (آمدی، بی‌تا: ج ۴، ص ۵۶).

این‌جا دو نکته به دست می‌آید: ۱. تلاش در تولید و کوشش در عرضه کالاهای مورد نیاز جامعه، نه تلاش در مصرف؛ ۲. قناعت در مصرف، نه قناعت در تولید، و عکس آن، یعنی تلاش در مصرف و قناعت در تولید، پسندیده نیست.

خلافت در کار و مسؤولیت: اصل کار و مسؤولیت، به منزله دمیدن روح هنر در کالبد طبیعت است، تا صنایع آدمیان، تبلوری از حیات هنر و تجلی زنده بودن و زنده شدن باشد.

دلپذیر بودن مسؤولیت: اصل هر چیز را روح ملکوتی آن تشکیل می‌دهد؛ لذا برای آن که کار و مسؤولیت کارگزاران، صبغه ملکوتی پیدا کند، لازم است دلپذیر و دلاویز بودن در ضمن آن مسؤولیت، ظهور یابد.

کار و مسؤولیت هدفمند: کار و شغلی به صورت هنر مدرن متبلور می‌شود که از بدعت، سهل‌انگاری، سست رفتاری و بی‌رونی بودن رهایی یابد و به سنت نوآوری بودن برسند. در این راستا باید: ۱. کار و مسؤولیت برای هدف برین باشد. ۲. هدف، معقول و مقبول جامعه انسانی باشد. ۳. کارهای متنوع همانند اعضای یک پیکر زنده بالنده، مکمل هم باشند. ۴. فرهنگ کار، جنبه دینی و مدنی خود را تفسیر و کارهای گوناگون نسبت به یکدیگر تبلور دهد، تا مکمل هم باشند و تمام نیازهای صادق جامعه بشری را به بهترین وضع برطرف کنند (همان).

ویژگی‌های متولیان امور توسعه در نظام اسلامی و ساختار فکری و رفتاری آن‌ها، در تصمیم‌گیری، اجرا و تکامل نظام، نقش اساسی دارد که توجه به نهادینه کردن آن، ضروری است.

در مجموع، شاخصه‌های فردی (جامعه یا مسؤولان) در مدینه فاضله یا الگوی نظام اسلامی عبارتند از:

۱. تخصص و تعهد، ۲. اتقان و پایداری در مسؤولیت، ۳. اخلاص در کار، ۴. تناسب فرد با مسؤولیت، ۵. خلاقیت، ۶. نظم و محاسبه‌گری، ۷. اصلاح و تحول به منظور پیشرفت، ۸. هدفمند بودن.

آیت الله جوادی آملی در شرح ابعاد رشد در مدینه فاضله، موارد متعددی را برای تحقق آن در مدینه فاضله و نظام اسلام قابل ذکر می‌داند. چهار بعد اصلی که لازمه



رشد نظام اسلامی هستند، عبارتند از: ۱. رشد فرهنگی، ۲. رشد اقتصادی، ۳. رشد در فرایند صحیح صنعتی، ۴. رشد حقوقی (داخلی و بین المللی).
در مباحث بعد به بیان دیدگاه این عالم محترم و تبیین آن در این موارد می‌پردازیم.

۳. بررسی شاخصه‌های رشد فرهنگی در مدینه فاضله

در تعریفی فرهنگ، «شامل آداب و رسوم، اطلاعات، تخصص‌ها، علم و هنر، زندگی خانوادگی و مذهب می‌باشد» (راد، ۱۳۸۲: ص ۲۹).

رشد فرهنگی، در واقع پیشرفت ضابطه‌مند فرهنگ، یعنی آداب و رسوم، پیشرفت اطلاعاتی، رشد تخصص‌ها، پیشرفت علم و هنر و توسعه زندگی خانوادگی و نقش مذهب را شامل می‌شود.

از نظر آیت الله جوادی، زمامدار حکومت اسلامی درباره تأمین و توسعه علمی و فن آوری مسؤول است: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (جمعه: ۲).

در موضوع فرهنگ، دو نکته مهم مد نظر وی عبارتند از: ۱. رشد علمی و به دنبال آن، رفع جهالت. ۲. رشد اخلاقی و تزکیه نفس که به رفع ضلالت و گمراهی منجر می‌شود. این‌جا رشد علوم را می‌توان به معنای جامع آن در نظر گرفت:

رشد علوم تجربی: اسلام با ترغیب به علوم تجربی و ریاضی و... هم به ترتیب منطقی مباحث آن پرداخته و هم از اکتفای به آن‌ها و اعتزاز به داشتن آن‌ها و اعمال نابجای آن‌ها ترهیب نموده است. آیت الله جوادی اصل تحریص اسلام به فراگیری این گونه از علوم را [به لحاظ روشنی] نیازمند به طرح نمی‌دانند؛ ولی بیان منطقی مسائل این علوم به این است که سبک متداول تبیین آن‌ها به شرح سیر افقی اشیا و تفسیر غرضی اسرار طبیعی و ریاضی است (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۱۸۳).

وی تبیین و شناخت رشد یافته علوم را با مثالی این گونه مطرح می‌کند:

مثلاً فلان موجود زمینی یا سپهری در گذشته دور چنین بوده است و هم اکنون نیز چنین است و پیش بینی می‌شود در آینده به فلان صورت در آید. در این تفسیر، فقط به نظام داخلی امور طبیعی و ریاضی پرداخته می‌شود؛ لکن اسلام به غیر از اشاره کوتاه موضوعی به کیفیت ساختار درونی آن‌ها به تبیین نظام فاعلی و نظام غایی آن‌ها نیز همت می‌گمارد و با رمز گویای «هو الأول و الآخر» به مبدأ پیدایش اسرار جهان می‌پردازد و به مبدأ غایی و هدف آن، کاملاً عنایت می‌کند و علم تجربی و مانند آن را تفسیر صحیح کتاب تکوینی خدای سبحان دانسته و غفلت از آن را مایه ابتر بودن علوم می‌داند (همان: ص ۱۸۳-۱۸۶).

۷۱



ابعاد رشد... مهدوی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی / نرجس عبدیاتی

تأکید زیاد این عالم بزرگوار به این که نقش نظام فاعلی و نظام غایی اگر در علوم تجربی غافل بماند، در واقع، علم ناقص است و اشاره وی به ابتر بودن آن، چیزی شبیه به عقب افتادگی علمی صاحبان چنین علوم و اطلاعاتی می‌باشد؛ لذا عقب ماندگی یا پیشرفت علمی از نظر وی، علاوه بر مسأله کمی علوم تجربی با تبیین و فهم آن علوم هم به گونه‌ای که ذکر شد، مرتبط است و این، شامل تمام علوم تجربی می‌شود.

رشد علوم عقلی: در این راستا نیز «تأملات عقلی بشر به تنهایی عقب ماندگی آن است و بایستی در کنار آن‌ها، متوجه ارسال انبیا و انزال وحی بود» (همان، ص ۱۸۶). در نتیجه، رشد عقلی زمانی در مسیر صحیح و تشخیص درست است که در کنار عقل، نسبت به کتاب و سنت، متوجه و متذکر باشد.

علم شهودی: از نظر آیت الله جوادی آملی، علم شهودی، همان تزکیه است و این دو جدای از هم نیستند:

... برخی باید به زحمت، تعلیم خود را به تزکیه مرتبط کنند؛ یعنی بگویند: «خدا، قیامت و حسابی هست؛ لذا من باید پرهیز کنم»؛ ولی اگر کسی به علم شهودی

۱. در تبیین درست و توسعه یافته مثالی می‌زنند: «خدا است که برای شما دریا را مسخر کرد، تا کشتی به امر او در آن، جاری شود و از فضل خدا طلب کنید شاید شکر نعمتش را به جا آرید...».

رسید، علم او همان تزکیه است و تزکیه او همان تعلیم. چنین علمی مطلوب بوده و مقدور وارثان انبیا و اولیای الهی می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ص ۱۶۶).

در ارزش و جایگاه پیشرفت علمی و نقش کارگزاران آن، به نظر وی:

هر دانشمندی که با دانش و تحقیق خود در رفع مشکل علمی جامعه می‌کوشد، یا پزشکی که بیماران را مداوا می‌کند، یا مهندسی که طرح فنی می‌ریزد، یا دانش پژوهی که در راه دانش رنج می‌برد، هر کدام از این کوشش‌های علمی و پژوهش‌های تحقیقی، مصداق بارزی از مصادیق کارند؛ اما ارزش آن‌ها یکسان نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۴).

از طرفی نوع کاربرد علوم پیشرفته نیز مهم است؛ چرا که باید منجر به «پرهیز از تباهی محیط زیست و عدم محروم کردن دیگران از حقوق خداداد شود» (همان).

هماهنگی علم و تزکیه و نقش آن در پیشرفت

معیار دیگری که وی در رشد فرهنگی تأکید دارد، بحث تزکیه است که راه‌هایی از ضلالت می‌باشد. در فرهنگ جامعه و نظام اسلامی، انحرافات عملی و اخلاقی، راهکاری برای درمان دارد و آن، رشد و ترویج تهذیب روحی انسان‌های آن است. به تبع آن، فرهنگی که از انحرافات رفتاری و اخلاقی در هر بعدی از زندگی فردی و اجتماعی به وسیله رشد و نهادینه کردن علم توأم با تزکیه، پیشگیری می‌کند، شاخصه فرهنگ مدینه فاضله و الگوی توسعه فرهنگی در نظام اسلامی است:

گاهی انسان عالم است و مواظب است که به علم خود عمل کند. او همیشه باید اهل محاسبه باشد، تا علم خود را به عمل برساند؛ اما یک وقت او علمی دارد که با تزکیه است؛ یعنی دو لفظ و دو مفهوم است و یک مصداق. این علم، رنجی ندارد. البته رسیدن به این جا سخت است؛ ولی از این پس، به آسانی کار خیر را انجام می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ص ۱۶۵).

توجه به هماهنگی علم و تزکیه در رشد فرهنگی جامعه اسلامی، مبحثی فراتر از همراهی علم و تزکیه است که در نظام اسلامی رشد یافته مورد توجه قرار می‌گیرد.

شاید این مطلب را بتوان در چیزی که بسیار مورد تأکید ایشان و از اهداف

اصلی حکومت اسلامی است نیز بررسی کرد که آن، راهنمایی انسان به سوی «خلیفه الله» شدن است:

خلیفه الله، همان انسان کامل است که از گزند هر گونه زوال، مصون است. اهمیت پرورش روحی به گونه ای است که مدینه فاضله، به مثابه جسم است و خلیفه الله به مثابه روح آن و مدینه فاضله را انسان کامل تأسیس می کند (همان: ص ۳۳۶).

از طرفی وی، این گونه رشد فرهنگی را بر اساس حرکت فردی و اجتماعی انسان ها با مدیریت و رهبری نظام اسلامی اصلی دانسته است که نورانی شدن جامعه انسانی را در پی دارد:

هدف حکومت الهی، نورانی نمودن جامعه انسانی است. انسان نورانی، از گزند تیرگی هوی و آسیب تاریکی هوس مصون بوده و از دسیسه وسوسه و پند و مغالطه محفوظ خواهد بود (همان).

مفهوم نورانی کردن چیست؟ از نظر آیت الله جوادی «مردم نورانی، مردمی هستند که حق را بدانند و طبق دانسته و علم خویش - یعنی حق - عمل کنند...» (جوادی آملی، ۱۳۷۴: ص ۳۶۴). نکته مهمی که این جا مطرح میشود، مسأله پیروی از حق است که بی توجهی به آن، سد راه علم و سبب زوال حق است: عدم پیروی از حق، انسان را دچار مشکلات فراوان علمی و عملی و مایه عبرت دیگران می کند و حق، همان است که از سوی خدای سبحان آمده است: ﴿الحق من ربك فلا تكن من الممترين﴾ (آل عمران: ۶۰) و سر پیچی از آن، مانع کمال عقل است؛ بلکه سبب نقض و زوال آن می گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ص ۱۲۲).

ارتباط دقیق بین حق و مفهوم آن و در این راستا سنجش میزان صحت و سقم عقل انسان و جامعه، ما را ناگزیر می کند که در مفهوم نقص و کمال عقل و حقانیت - به خصوص در آنچه در علوم آکادمیک طرح شده است - به طور دقیق تر مروری بنماییم، تا به تمایزات عقلانیت و حقانیت در اندیشه فاضله اسلام که بر محوریت فرمان خدا است با دیگر مکاتب بشری واقف شویم. از نظر آیت الله



جوادی آملی: «تجلی گاه اهداف نهایی (نورانی کردن) و اهداف میانی (عدالت در جامعه) مدینه فاضله‌ای است که افراد جامعه به یمن تمسک به دین، آن را ایجاد کرده و از وجودش بهره می‌برند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۲۶).

در نتیجه تلاش برای رسیدن به این اهداف فاضله، قسمت عمده برنامه ریزی مرتبط با رشد فرهنگی نظامی اسلامی را به خود اختصاص می‌دهد. آثار و نمود تلاش در جهت توسعه علم، رهایی از جهل، رشد تزکیه و رهایی از ضلالت را می‌توان در ابعاد مختلف فرهنگی در آداب و رسوم، تخصص‌ها، هنر، زندگی خانوادگی، مذهب و... بررسی کرد. این شؤون مختلف فرهنگی، در اثر پیشرفت و نهادینه شدن دو اصل محوری مذکور در حوزه فرهنگ برای تعالی و سعادت انسان‌ها تثبیت، تصحیح یا تکمیل خواهند شد.

در باب سیاست‌گذاری فرهنگی در مدینه فاضله می‌توان موارد زیر را جمع بندی کرد:

الف. رشد علمی:

۱. پیشرفت علوم تجربی که با تفسیر نظام فاعلی و غایی همراه باشد.
۲. رشد علوم عقلی که همراه کتاب و سنت باشد.
۳. در مدینه فاضله، علم مطلوب و رشد یافته، با تزکیه هماهنگ است.

ب. رشد بعد روحی و اخلاقی جامعه:

۱. اهمیت رشد فضایل اخلاقی در مدینه فاضله — هدف مدینه فاضله
۲. تشخیص حق از باطل و عمل به حق در مدینه فاضله — هدف مدینه فاضله

۴. بررسی شاخصه‌های رشد اقتصادی در مدینه فاضله

جامعه اسلامی که الگوی مدینه فاضله را دارد، از لحاظ سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز باید به سوی رشد و پیشرفت حرکت کند. از نظر آیت الله جوادی آملی: توسعه اقتصادی، به وضعیتی از اقتصاد اطلاق می‌شود که امکانات مادی

برای رشد و تعالی انسان فراهم آمده است. طبیعی است که این وضعیت، به معنای دسترسی بیشتر انسان به کالا و خدمات برای به کارگیری آن‌ها در جهت رشد و تعالی نوع بشر، مستلزم تولید بیشتر است و تولید بیشتر، درک و استفاده از روش‌های علمی و فنی و بهره‌مندی از فناوری است. اسلام، به عنوان دین همه جانبه در رابطه با توسعه اقتصادی حقایقی را بیان کرده که دولت اسلامی باید در جهت رساندن جامعه به توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی داشته باشند و از طریق کار و کوشش و تلاش و فعالیت، در این راستا گام بردارند (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۲۱۳).

درباره نکاتی که آیت الله جوادی مطرح فرمود، اموری قابل توجه است:

۱. اقتصاد یا عمل اقتصادی «عملی است که در آن، عامل منحصرأ به نحو مسالمت آمیز از سیطره خود بر منابع استفاده می‌کند، تا اهداف اقتصادی خاص را به دست آورد» (لاریجانی، ۱۳۷۷: ص ۳۵۸).

۲. تأکید بر تولید و رشد تولیدی در اقتصاد در نظر وی در ذیل چند مبحث قابل بررسی است:

۱. چه تولید می‌شود؟ در دولت اسلامی کالایی تولید می‌شود که برای ادامه زندگی در جامعه اسلامی ضروری و در واقع، واجب است؛ اما برخی کالاها در اسلام، مصرفش مجاز نیست و در نتیجه تولید آن هم وجهی ندارد. ۲. چه مقدار تولید شود؟ این‌جا تولید کالاهای تجملی و مصرفی اسراف و اتلاف را به همراه دارد و... ۳. چگونه تولید شود؟ روش تولیدی بایستی زیان جبران ناپذیر به محیط زیست وارد نکند، با شؤونات اداره نظام اسلامی سازگار باشد و به نسل آینده ضرر نرساند (احمدی: ۱۳۷۸).

نقش افراد در رشد اقتصادی

از نظر آیت الله جوادی آملی رشد اقتصادی در نظام اسلامی، گاهی اوقات در حیطه اختیارات فرد است که:

فرد، به اصلاح معیشت دیگران بپردازد که زن و فرزند و والدین، از جمله آن‌ها هستند.



همچنین فرد به تأمین نیازمندی‌های محرومان در جامعه اسلامی توجه داشته باشد که واجب عینی یا کفایی است: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ص ۳۸). افراد، به تأمین نیازمندی محرومان در سراسر امت اسلامی مبادرت ورزند که این هم واجب عینی یا کفایی است: «من أصبح لایهتّم بأمر المسلمین فلیس بمسلم» (کلینی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۶۴).

تأمین نیاز غیرمسلمانان که از مسلمانان استمداد کنند؛ یعنی بر مسلمانان متمکن لازم است برای نجات وی اقدام کنند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» (همان)؛ یعنی اگر کافر و غیرمسلمان از مسلمان کمک خواست و راهی برای تأمین خود نداشت و نیز او مزاحم، رهن و اهل توطئه بر ضد اسلام و مسلمانان نبود، باید او را تأمین کرد و استمداد او را اجابت نمود.

حتی اگر حیوان غیر مزاحمی گرسنه یا تشنه باشد باید برای رفع گرسنگی یا تشنگی او اقدام کرد «أفضل الصدقة إبراد کبد حری» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۲۱۶). افراد در نظام اسلامی، نقش مهمی در رشد اقتصادی و تأمین نیازهای جامعه بشریت دارند. هر چه نیازهای مادی به حکم اسلام، بیشتر و فراگیرتر برطرف شود، بسیاری از موانع توسعه اقتصادی حذف و عوامل رشد اقتصادی فراهم می‌شود و حیطة و گستره توجه به فقر و کاستی‌های اقتصادی از افراد، اجتماع، امت، بشریت به سطح همه موجودات می‌رسد و این، تفاوت پیشرفت اقتصادی و دقت‌های مرتبط با آن، در نظام اسلامی و حکومت‌های دیگر می‌باشد.

وی در بیان اهمیت رشد اقتصادی در سیره مدیریت اسلامی، آن را بسان ستون فقرات جامعه و مایه قوام می‌داند: «همان طور که جاری نشدن خون در بعضی رگ‌ها، موجب فلج شدن آن عضو می‌شود، مال نیز باید در همه شرایین جامعه جریان داشته باشد» (همان: ص ۲۲۱)؛ پس تفاوت دیگر نظام اسلامی و

غیر آن، در رشد و توسعه اقتصادی، موضوع عدم طبقاتی بودن و جمع آوری میزان زیادی از منابع و اموال اقتصادی در سیطره گروه خاص می‌باشد:

در نظام سرمایه‌داری، ثروت‌های کلان و سنگین در دست گروه خاصی است. آن‌هایی که در دنیا داد و ستدهای مهم را انجام می‌دهند، محدودند؛ به طوری که گاه ممکن است شرکت‌ها، تراست‌ها، کشتی‌ها یا هواپیماهای مختلفی را خریداری کرده و بفروشند؛ ولی قرآن، مال را به منزله خون در پیکر جامعه می‌داند... (همان: ص ۲۲۲).

قبل از این که وارد تأکیدها و معیارهای آیت الله جوادی در پیشرفت اقتصادی توسط نظام اسلامی شویم، لازم است ویژگی کارگزاران نظام اسلامی را - به ویژه در توسعه اقتصادی - مطرح کنیم. معیار این عالم بزرگوار «عقل» است و در مقابل آن، «سفاهت است». کارگزاران توسعه اقتصادی، نباید سفیه باشند:

انسانی که مال را از راه رشوه یا ربا و بدون تولید صحیح و کسب حلال به دست می‌آورد و نیز کسی که مال را از راه صحیح فراهم می‌کند، ولی در مصرف، اسراف و اتراف دارد، هر دو سفیهند. (همان).

همچنین درباره علائم عقل و عقلانیت کارگزاران پیشرفت اقتصادی، چنین آمده است: «معیار عقل و سفاهت، اطاعت از خدا و تخلف از فرمان خدا است. مطیع فرمان خدا نیکو سرشت و عاقل می‌باشد و مخالف فرمان خدا، سفیه است» (همان). شاید به نظر ما کسی که از راه‌های اشرافی‌گری یا از راه ربا و تولید نامشروع مالی، سرمایه‌ای جمع می‌کند، تفکر اقتصادی دارد، ولی لوازم شرعی را رعایت نمی‌کند؛ اما از نظر آیت الله جوادی، او عقل اقتصادی ندارد و سفیه است. از وظایف اصلی و مشترک حکومت و مردم، شناخت مفسدان اقتصادی و مقابله با آن‌ها است. آن‌ها دقیقاً خلاف رشد اقتصادی مطلوب در نظام اسلامی حرکت می‌کنند و خودشان و جامعه را دچار آسیب و آفت می‌کنند:

داستان حریص نسبت به دنیا، داستان کرم ابریشم است که دائماً در خود می‌تند که خودش را دفن کند؛ چون محصول کرم ابریشم جز این نیست که



دور خود می‌تند و خود را خفه می‌کند و قبل از هر چیزی، خودش می‌میرد و محصولش را دیگری استفاده می‌کند^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۲۲۳).

وظایف دولت در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی

تأکیدات آیت الله جوادی آملی در مدیریت پیشرفت اقتصادی توسط نظام اسلامی، شامل موارد زیر می‌شود:

تلاش برای مدیریت اسلامی در شؤن مختلفی که یک اجتماع و نظام باید داشته باشد (کاشت، داشت، برداشت و همه شؤن).

تلاش برای مدیریت اسلامی در حلال بودن تمام شؤن و مراحل مختلف تولید، توزیع، مصرف و... به عنوان رکن و شاخصه لازم اقتصاد سالم (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۹ و ۱۱۰).

از نظر وی، سود اقتصادی حرام، نه فقط بر فرد، بلکه بر جامعه اثرات مخربی دارد. غذای حلال و حرام، مثلاً در آینده نزدیک به صورت بینش علمی یا گرایش عملی در می‌آید و سبب جزم صائب یا عزم صحیح یا سقیم خواهد شد و از این رهگذر، در فرزند که حامل وراثت‌های بدنی و روحی پدر و مادر است، ظهور می‌کند. شاید گوشه‌ای از معنای آیه «و شارکهیم فی الأموال والأولاد» (اسراء: ۶۴) همین تحلیل باشد. نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسب الحرام یبین فی الذریة» کسب حرام و آلوده، در نسل آینده ظاهر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۱۷۳). در مجموع، وی لوازم سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را از نظر اسلام در موارد ذیل خلاصه می‌کند:

اصل مالکیت انسان‌ها در مقایسه با یک دیگر پذیرفته است؛ ولی تمام انسان‌ها در مقایسه با خداوند، امین و نایبند، نه مالک. مالکیت خصوصی، تا جایی است که به فقر و حرمان جامعه منجر نشود.

۱. اشاره به حدیثی از امام باقر علیه السلام. رک: کلینی، پیشین: ص ۳۱۶.

مجموع اموال، متعلق به مجموع انسان‌ها است. مال، به منزله خون در عروق تمام جامعه است.

مال، به منزله خون بدن و به مثابه ستون فقرات جامعه انسانی است. قرار دادن مال در اختیار سفیه، ممنوع است و صرف آن به نحو اسراف یا اتراف ناروا است.

احتکار ثروت و اکتساع (پوشاندن) نان، ممنوع است و جریان آن لازم است.

جریان ناقص مال، ممنوع می‌باشد و دور کامل آن لازم است.

جریان عمومی مال، گذشته از راه‌های پیش‌بینی شده در شرع مانند ارث و بخشش، همانا بر اساس تجارت با رضایت است؛ برخلاف تجارت بدون رضایت یا رضایت بدون تجارت: قمار و....

۵. بررسی شاخصه‌های رشد صنعتی در مدینه فاضله

آیت الله جوادی آملی از دیگر شاخصه‌های پیشرفت مدینه فاضله را با بعد سیاست‌گذاری‌های صنعتی مرتبط می‌داند که لازم است نظام اسلامی در الگوی پیشرفت، به آن توجه کند. روندی که در مفهوم صنعت و صنعتی شدن لازم است، از صنایع دستی با قدمت چند هزار ساله را شامل می‌شود تا صنایع مصرفی و تولیدی کشاورزی، صنایع فضایی، هواپیمایی، الکترونیک و کامپیوترها «همچنین انقلاب صنعتی معاصر با محوریت میکروپروسورها، رایانه‌های پیچیده تر، روبات‌ها، انتقال از طریق فیبر نوری، مهندسی ژنتیک و کاربردهای آن در کشاورزی، شیمی، انرژی و پزشکی و بهره‌گیری از میکروپروسورها و رایانه‌ها در پزشکی و آموزش و ارتباطات ...» (رزاقی، ۱۳۷۰: ص ۵۱).

پیش از بررسی انقلاب صنعتی در دوران معاصر، به دو انقلاب صنعتی گذشته و تأثیر آن در فرایند، نوع و شیوه تولید صنایع نیز می‌توان اشاره کرد که در نیمه دوم قرن هجدهم میلادی و اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم به وقوع



پیوست. صنایع را می‌توان در تقسیم‌های مختلفی از جمله: الف. صنایع کوچک روستایی، صنایع کوچک شهری و صنایع بزرگ، ب. صنایع سبک و صنایع سنگین، ج. صنایع مصرفی (سبک یا سنگین) و صنایع تولیدی قرار داد (همان: ص ۱۳۰ و ۱۹۶).

آیت الله جوادی نقش فرایند صنعتی در پیشرفت همه جانبه نظام اسلامی را با توجه به آموزه‌های قرآنی و قرائن آن در زندگی سلیمان نبی، نوح علیه السلام و ذوالقرنین بررسی می‌کند و این که فرایند صحیح صنعتی در سیره ائمه و پیشوایان دینی علیهم السلام مورد ترغیب است: «پیشوایان نظام اسلامی، عهده دار ترغیب به فراگیری کامل فرایند صحیح صنعتی و تعلیم کیفیت بهره برداری از آن می‌باشند» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۱)؛ پس:

۱. فراگیری، تحصیل، تحقیق و آموزش فرایند صحیح صنعتی، مد نظر نظام اسلامی است.

۲. در عرصه عمل هم آموزش بهره برداری خوب و بهینه از صنایع در جهت رشد نظام اسلامی و رسیدن به اهداف آن، مورد سفارش است.

آیت الله جوادی نمونه‌ای از رشد صنعتی در عصر حضرت سلیمان علیه السلام را این گونه مطرح می‌کند: «جریان ورود ملکه صبا به ساحت قدس سلیمان علیه السلام و مشاهده قصر ظریف شیشه‌ای و پندار آب و بالا زدن پوشش پا، شاهد بر پیشرفت صنعت معماری، هنری و صنعتی آن عصر است» (همان).

وی، به طور خلاصه در باب شاخصه‌های پیشرفت صنعتی در نظام اسلامی به موارد زیر اشاره می‌کند:

اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است.

مهم‌ترین بهره درست از صنایع پیشرفته در هر عصر، عبارت است از نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر.

آنچه در قرآن یاد شده است، جنبه تمثیل دارد نه یقین؛ یعنی در قرآن، مثال

بهره‌وری صحیح از صنعت بازگو شده است، نه این که استفاده درست از صنعت منحصر در همین چند مورد باشد.

درباره الگوی صنعتی، صنعت کشتی سازی نوح علیه السلام الگویی برای ساخت و پرداخت هر گونه وسایل نقلی دریایی و زیر دریایی - اعم از وسیله نقلیه مسافر، بار و مانند آن - و نیز وسایل نقلی زمینی و هوایی به طور عام است. صنعت زره بافی حضرت داوود علیه السلام، الگویی برای شناخت هر گونه وسائل دفاعی خواه برابر تیر جنگی و مانند آن باشد و خواه برابر سموم شیمیایی و مانند آن و صنعت معماری و کارهای دستی و ظرایف هنری. نیز ساختن ظروف فلزی سلیمان علیه السلام نمونه‌ای برای ساختن هر گونه لوازم زندگی است که نیازمندی‌های فردی یا گروهی و همچنین نیازمندی‌های هنری و ادبی توسط آن برطرف می‌شود (همان: ص ۱۱۳).

شناخت تسلیحات - حتی نوع کشنده و تخریبی آن - برای نظام اسلامی لازم است؛ اما از نظر آیت الله جوادی، تحقیق و آشنایی با انواع تکنولوژی پیشرفته، با استفاده از آن‌ها متفاوت است:

استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند روا است؛ ولی بهره برداری از آن در امور تخریبی و سوزنده و کشنده و تهاجمی و زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان‌ها، مناطق معمور و... هرگز روا نیست. با این مسأله می‌توان فرق میان کادر صنعتی در مدینه فاضله که هدف حکومت اسلامی است را با کادر صنعتی کشورهای مهاجم و مخرب و مدعی تمدن بررسی نمود (همان: ص ۱۱۴).

همچنین توجه به حفظ محیط زیست و حتی توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی کشور، از وظایف مورد توجه کارگزاران پیشرفت صنعتی می‌باشد. «صنایع تجربی موظفند در راستای تأمین سعادت و سلامت همه بشر جهت‌گیری کنند؛ چنان که مکلفند حقوق طبیعی هر موجود دیگر را اعم از دریا و آبریان هوا و پرندگان و استنشاق کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر را رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل رضایت ندهند» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۵).



با رعایت این گونه موازین و رعایت حقوق دیگر موجودات است که حوزه فعالیت در تولیدات صنعتی «محدود به نقطه خاصی نیست؛ بلکه از اعماق دریاها تا اوج آسمان‌ها و فراخنای خشکی و صحرا میدان کار و تلاش است» (همان: ص ۱۵۴). از طرفی خداوند، زمینه هر گونه نوآوری و ابداع را برای ما فراهم ساخته است:

خدای سبحان، همه مواد خام و لازم برای هر گونه ابتکار را در سفره سنت الهی قرار داده است و زمینه هر گونه صنعت بدیع و هر نوع نوآوری را در نهان بشر نهاده کرده است، تا اصل کار از سادگی صدف به پیچیدگی گوهر بار یابد و از تکرار پرهیز شود و به سمت خلاقیت، جهت گیری شود، (همان: ص ۱۶۲).

۶. بررسی شاخصه‌های رشد حقوقی درمیدینه فاضله

همان طور که در بخش‌های قبل هم متذکر شدیم، آیت الله جوادی آملی معتقد است: «قوانین اسلامی و مسؤولان دینی، عهده دار تبیین و تحقیق رشد حقوق داخلی و بین المللی هستند» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۴). سلاح‌های صنعتی و اقتصادی بدون صلاح حقوقی و اخلاقی، زمینه تباهی را فراهم می‌کنند و جنگ جهانی اول و دوم، گواهی بر صدق همین مطلب است. حقوق، مجموعه قواعد و مقرراتی است که به وسیله قوه مقننه وضع می‌شود تا روابط بین مردم یک جامعه را تحت نظم درآورد و از طرفی نظم عمومی را در جامعه مستقر می‌کند.

حقوق، از لحاظ قلمرو حکومت و حدود تنظیم روابط، به دو دسته تقسیم می‌شود:^۱
حقوق داخلی (در داخل مرزها)

حقوق خارجی یا بین الملل (در بین ملت‌ها و دولت‌ها)

هر یک از این دو دسته نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند و در مجموع چهار نوع را تشکیل می‌دهند: ۱. حقوق داخلی خصوصی (روابط افراد با هم) ۲. حقوق

۱. جهت آگاهی ر.ک: واحدی، ۱۳۸۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴.

داخلی عمومی (روابط افراد دولت) ۳. حقوق بین الملل خصوصی (اتباع کشورها با هم) ۴. حقوق بین الملل عمومی (روابط دولت ها). قصد ما، بحث تفصیلی درباره این ها نیست؛ اما باید دانست لازمه رشد حقوقی، توجه به همه ابعاد و زوایای حقوق داخلی و بین المللی است.

در بُعد حقوقی آیت الله جوادی اصول و عواملی را برای سیاست گذاری در نظام اسلامی می شمارند: (جوادی آملی، ۱۳۷۸: صص ۱۱۶-۱۱۴).

نفی هر گونه سلطه گری و سلطه پذیری: ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۷۹).

رعایت عهد ها و موثقیق بین المللی: سیره و روش ابرار است که وقتی عهدی می بندند، به آن وفا می کنند. از سوی دیگر، خدای سبحان مشرکان و کافران را به دلیل بی تعهدی و نقض عهد چنین نکوهش می کند: ﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ﴾ (انفال: ۵۶).

اهتمام حکومت اسلامی برای برقراری نظام تعهد و قانون و عمل به پیمان و احترام به میثاق، برای آن است که جامعه متعهد، از امنیت حقیقی برخوردار شود. به نظر این عالم فرزانه، امنیت در پرتو رعایت حقوق فراهم می شود. همچنین حقوق و رعایت آن، برای همه اقشار ضروری است و کسی اجازه ندارد با خوی استکبار و پیمان شکنی به برتری جویی و ایجاد اختلال در تعادل اجتماعی بپردازد، تا جایی که کفار نه به جهت بی ایمانی شان، بلکه به لحاظ عدم تعهد، مطرود و مورد مبارزه هستند (رک: توبه: ۱۲). وی، مشکل حقوق بین الملل را در پیمان شکنی زورمداران عصر حاضر معرفی می کند که در پی آن، سازمان بین الملل هم نارسا شده است.

رعایت امانت و پرهیز از خیانت در اموال و حقوق: دستور خداوند، لزوم رعایت امانت و بازگرداندن آن به صاحبش است. (نساء: ۵۸) تأثیر احترام متقابل به امانت های یک دیگر در برقراری امنیت و آزادی در تأسیس مدینه فاضله کاملاً واضح است.



زوایای رشد حقوقی

از زاویه‌ای دیگر، پیشرفت حقوقی را می‌توان در سه بعد نظری، اجرا (یا ضمانت اجرا) و نظارت هم در الگوی مدینه فاضله بررسی کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۸۸ و ۸۹).

بعد نظری: در جامعه دینی و نظام الهی، قانونگذار، معصوم و مصون از جهل و خطا است. او منفعت طلب و سودجو نیست، تا به سود افراد یا گروهی قانون وضع کند و در این قانون، عرب و عجم فرقی ندارند (مؤمنون: ۳۷). سیاه و سفید و سرخ تفاوتی با هم ندارند: «وَأَرْسَلْتُ إِلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَالْأَحْمَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۶، ص ۳۲۶) و انسان‌ها، مانند دندان‌های شانه، یکسان و مساویند: «النَّاسُ سَوَاءٌ كَأَنَّكَ كَاسَنانُ الْمَشْطِ» (همان: ج ۷۵، ص ۲۵۱).

در بعد اجرا: مجریان نخستین این قانون، انسان‌های وارسته و معصومند. در عصر غیبت نیز کارگزاران حکومت دینی، کسانی هستند که انگیزه حفظ قانون و عمل به آن را دارند و آن انگیزه، از همان اعتقاد و عبادت ایشان برمی‌خیزد. اگر بر اساس غفلت یا تغافل، شخص دنیاطلبی در جامعه دینی مسؤولیتی را عهده‌دار شد و آخرت را با دنیا معامله کرد، مؤمنان متعهد چنین جامعه دینی‌ای، او را خلع کرده و از قلمرو پیش‌کسوتان دینی طرد می‌نمایند.

نقش مردم در رشد حقوقی: اسلام، برای این که نظام الهی از هر گزندی محفوظ بماند، مردم را نیز ناظر ملی معرفی کرده است. این گونه نیست که مردم، فقط مشمول قانون باشند و هیچ سمت دیگری نداشته باشند. اسلام، مردم را ناظر حسن اجرای قانون دینی و الهی قرار داده و امر به معروف و نهی از منکر را بر همه واجب کرده است. تذکر این نکته لازم است که قانون الهی، خود از منابع بسیار مهم حقوق و قانون‌گذاری در قوه مقننه است که اعمال نظارت بر رعایت موازین آن از سوی شورای نگهبان صورت می‌گیرد.

از نظر آیت الله جوادی لازمه پیشرفت کشورهای جهان - به ویژه نظام‌های به



اصطلاح توسعه یافته - صلح عادلانه جهانی یا رشد حقیقی بعد حقوقی در این جوامع است: «هرگونه توسعه جهانی خواه تجارت یا سیاست یا امور دیگر، در پرتو صلح عادلانه جهانی جلوه می‌کند، وگرنه توسعه آن امور، محصولی جز فساد و ناامنی ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۱).

راه رسیدن به صلح جهانی، جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران و منع از گسترش فساد جهانی است:

به منظور صلح جهانی پایدار [که مورد تأکید اسلام است]، نه تنها نباید تن به تباهی ظلم داد و به آن مباهات کرد، بلکه باید جلوی هرگونه تعدی را گرفت، وگرنه فساد اولاً زمینه ضعف مراکز عبادی - فرهنگی را فراهم می‌کند و ثانیاً به گستره زمین و اهل آن می‌رسد (همان: ص ۱۸۰).

از نظر وی، راه تأمین صلح عادلانه به کیفیت بهره‌وری از علوم عقلی کامل شده توسط اسلام برمی‌گردد:

اسلام با تکمیل علوم عقلی، کیفیت بهره‌وری از آن‌ها را در تأمین صلح عادلانه جهانی بر عهده دارد. عناصر محوری علوم عقلی مانند کلام، حکمت، عرفان و... را معرفت خدا و شناخت اسما و صفات علیای او تشکیل می‌دهد و سهم مؤثر ثقلین [قرآن و عترت] در طرح معارف، توسعه، تعلیل و تبیین آن، به طوری که از گزند اضلال، آسیب اغوا و خطر مغالطه مصون باشد... (همان، ص ۱۸۲).

شاخصه‌های ذیل از جمع‌بندی مباحث رشد سیاست‌گذاری‌های مدینه فاضله در عرصه قانون و حقوق ذکر می‌شود:

تبیین و تحقیق برای رشد حقوق داخلی و بین‌المللی، به واسطه «قوانین اسلامی» و از طریق «مسئولان دینی» در مدینه فاضله صورت می‌گیرد. تساوی حقوق و رعایت قوانین برای همه اقشار مدینه فاضله، ضروری است. صلح جهانی پایدار (عادلانه) در قوانین مدینه فاضله مورد تأکید است. صلح جهانی عادلانه به کیفیت بهره‌گیری از علوم عقلی و تکمیل آن توسط اسلام بر می‌گردد.

نتیجه گیری

همانطور که در هر کشوری رشد و پیشرفت از موضوعات اساسی است، در مدینه فاضله هم از مسائل محوری مد نظر نظام اسلامی می باشد. اما در این نظام، پیشرفت، سطحی، تک بعدی یا منحصر به رفاه دنیایی نیست؛ بلکه راه و سیاستی می باشد که با احکام و قوانین الهی آمیخته شده است. در الگوی مدینه فاضله که جمهوری اسلامی ایران به آن توجه دارد، رشد در تمام ابعاد آن، فقط با محوریت رهبری و مدیریت الهی او پیگیری می شود. سپس می توان این پیشرفت را با یاری کارگزاران و مدیران شایسته، در ابعاد متعددی - اعم از حوزه های فرهنگی و زیر مجموعه های آن، ابعاد حقوقی و شاخه های آن و در بخش اقتصادی و صنعتی و مسائل مرتبط با آن - در جامعه و نظام اسلامی ایجاد کرد. در واقع، اسلام و الگوی مدینه فاضله، از این گونه محورهای اساسی حیات متعالی بشریت در حوزه های مرتبط با مسئولیت اجتماع و حکومت غافل نیست؛ لذا نظام اسلامی ایران هم با محوریت ولایت فقیه در عصر غیبت، در تمام این ابعاد، پیرو نظام رشد یافته در مدینه فاضله با محوریت امام عصر علیه السلام یا انسان کامل خواهد بود.



منابع و مأخذ

قرآن مجید

۱. آمدی، عبدالواحد، *عمر الحکم و دررالکلم*، بی جا، بی تا.
۲. احمدی، علیرضا، *اسلام و توسعه اقتصادی*، مجله ابرار اقتصادی، ش ۵، ۱۳۷۸/۲/۱۱ ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی موعود موجود*، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۴. _____، *انتظار بشر از دین*، قم، اسراء، ۱۳۸۰ ش.
۵. _____، *بنیان مرصوص امام خمینی*، چ ششم، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
۶. _____، *تفسیر موضوعی قرآن*، ج ۸، تهران، رجاء، ۱۳۷۴ ش.
۷. _____، *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، چ ۳، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
۸. _____، *مجموعه سخنرانیها پیرامون ولایت فقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۹. _____، *نسبت دین به دنیا*، چ ۲، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. _____، *ولایت فقیه ولایت فقه و عدالت*، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. راد، فیروز، *جامعه شناسی توسعه فرهنگی*، تهران، انتشارات چاپ بخش، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. رزاقی، ابراهیم، *الگوی برای توسعه اقتصادی ایران*، ج ۲، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، چ نوزدهم، تهران، نشر مدرس، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، پیشین، ج ۲، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. لاریجانی، محمد جواد تدین، *حکومت و توسعه*، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. واحدی، قدرت الله، *مقدمه علم حقوق*، چ دوم، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۰ ش.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی